
بررسی تأثیر اعتماد سیاسی بر مشارکت سیاسی (مورد دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن ۸۸-۸۹)

دکتر بهرنگ صدیقی*، دکتر لینا ملکیمان**، مهدی اجاقی ازبری***

چکیده

پژوهش حاضر با هدف پاسخگویی به این پرسش آغازین که "اعتماد سیاسی دانشجویان چه تأثیری بر مشارکت سیاسی آنان دارد؟" شکل گرفت. بنابراین پس از استخراج فرضیه‌ها و متغیرهای مؤثر بر اعتماد سیاسی با تکیه بر نظرات مطرح در این خصوص، مدل پژوهشی ترکیبی برای آن در نظر گرفته شد. برای آزمون این مدل نظری جامعه آماری کلیه دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن مشتمل بر ۹۶۰ نفر انتخاب شد و از میان آنان ۱۷۰ نفر حجم نمونه مشتمل بر ۹۸ زن و ۷۲ مرد تعیین شد. برای جمع آوری اطلاعات از این جمعیت، از پرسشنامه استفاده شده است. داده‌های مستخرج از پرسشنامه‌ها با تکیه بر آماره‌های توصیفی و استنباطی، به کمک نرم افزار SPSS تحلیل شدند. تحلیل‌های فوق در نهایت به این نتیجه رسید که متغیرهای عملکرد نهادهای حکومتی، تعاملات ابزاری، تعاملات اظهاری، عدم شایسته سالاری، و عملکرد رسانه‌های جمعی دارای رابطه‌ای معنادار با مشارکت سیاسی هستند. همچنین در این تحقیق مشخص شد که میان متغیرهای دینداری و میزان آزادی در فعالیت‌های سیاسی با مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود ندارد.

کلید واژه‌ها

اعتماد سیاسی، عملکرد نهادهای حکومتی، تعاملات ابزاری، تعاملات اظهاری، عدم شایسته سالاری، عملکرد رسانه‌های جمعی، دینداری و میزان آزادی در فعالیت‌های سیاسی

* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، (دانشکده علوم اجتماعی)، رودهن، ایران.

** مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، (دانشکده علوم اجتماعی)، رودهن، ایران.

*** کارشناس ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران. mahdi_oj@yahoo.com

مقدمه

انسان موجودی اجتماعی است و جوامع انسانی براساس روابط و کنش‌های متقابل انسان‌ها پایه‌گذاری شده‌اند. انسان برای زندگی در جامعه نیاز به ارتباط با موجودات انسانی دیگر دارد. در جوامع توسعه یافته یا در حال توسعه شاهد گسترش ارتباطات هستیم و با توجه به فواصل زمانی و مکانی و اینکه توسعه ارتباطات این فواصل را هم درنوردیده و به افراد، گروه‌ها و سازمان‌های مختلف امکان برقراری روابط متقابل را می‌دهد، لزوم وجود اعتماد بیش از پیش احساس می‌شود.

اعتماد یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی و زمینه‌ساز همکاری میان اعضای جامعه است. اعتماد سیاسی تمایل افراد به تعادل و همکاری با گروه‌ها را افزایش داده و شبکه روابط بین گروه‌ها را در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی شکل می‌دهد.

جهانی که در آن زندگی می‌کنیم با تلاش‌های هدفمند انسانی شکل گرفته و دوباره شکل می‌گیرد و جهت‌گیری افراد به سوی آینده است، موقعیتی که در آن عمل می‌کنیم با وجود شرایط اجتماعی بر موقعیت آتی مان تأثیر می‌گذارد و در طول زمان به طور قابل ملاحظه‌ای تغییر می‌یابد. به نظر می‌رسد در زمانی زندگی می‌کنیم که در آن وابستگی آتی جامعه به تصمیم‌گیری‌ها افزایش یافته است. ما در حال گذر از جوامع مبتنی بر تقدیر و سرنوشت به سوی جوامع مبتنی بر عاملین (کارگزاران) انسانی (از جمله جنبش‌های اجتماعی، حکومت‌ها، احزاب، انجمن‌ها، ...) هستیم، و برای رویارویی فعال و ساختمان با آینده نیاز به اعتماد داریم.

مفهوم اعتماد سیاسی از مفاهیم کلیدی جامعه‌شناسی است. اعتماد از شاخص‌های مهم جامعه‌تلقی می‌شود، و کاهش آن می‌تواند زمینه رشد نابسامانی‌ها و بی‌نظمی‌ها و افزایش جرایم و انحرافات در جامعه را فراهم سازد.

اعتماد سیاسی یکی از عناصر جامعه مدنی است و می‌تواند عاملی برای تعامل بین افراد جامعه و ارکان دولت تلقی شود. همکاری و مشارکت آحاد مختلف مردم یک جامعه در امور به میزان اعتماد متقابل بین آنها و ارکان مختلف حکومتی بستگی دارد. بنابراین اعتماد سیاسی امری است که می‌تواند نقش موثری در توسعه و پیشرفت یک کشور ایفا کند.

اعتماد سیاسی یکی از عوامل مشارکت است. پس مشارکت توأم با حسن اعتماد است. تشکیل گروه‌ها و میل به کار گروهی و مشارکت به درجه‌ای از اعتماد متقابل نیاز دارد. اعتماد مستلزم وجود این باور است که دیگران تا جایی که بتوانند منافع ما را مدنظر قرار می‌دهند و در پی کسب منافع خود و ضربه زدن به منافع ما نیستند. علاوه بر این، اعتماد نوعی آسیب‌پذیری شخصی نیز در پی دارد، یعنی اگر اعتماد فرد خدشه دار شود، نتیجه اش مطمئن نبودن به رفتار آینده دیگران است. یعنی به آن رفتار اطمینان نداریم و معتقدیم که با ما منصفانه رفتار خواهند کرد.

در جهان امروزی کشورهایی خواهند توانست به ترقی و پیشرفت نایل آیند که مشارکت افراد جامعه در امور مهم و در عرصه‌های متفاوت اجتماعی، به واسطه اعتماد متقابل بین افراد و گروه‌ها و ... در حد بسیار بالایی باشد. بنابراین مقوله اعتماد سیاسی در تمامی اعصار و قرون یکی از موضوعات مهم حیات بشری بوده و با گذشت زمان بر اهمیت آن افزوده شده است. و به این دلیل است که اگر اعتماد سیاسی را یکی از ریشه‌های تعاملات انسانی بدانیم، راه را به خطا نرفته و سخنی به گزاف نگفته‌ایم.

طرح مسئله

در این پژوهش در پی بررسی تأثیر اعتماد سیاسی بر مشارکت سیاسی خواهیم بود. این دو مفهوم از مهم‌ترین مفاهیمی هستند که نظام‌های دموکراتیک بر آنها تکیه می‌کنند. اما درباره اعتماد سیاسی باید گفت که از اساسی‌ترین مقوله‌های هر نظام سیاسی است. یک نظام اقتصادی، قانونی، سیاسی به اعتماد به عنوان شرط درون داد نیازمند است. بدون برخورداری از اعتماد، نظام نمی‌تواند مردم را به فعالیت‌های حمایتی در موقعیت‌های عدم قطعیت یا مخاطره ترغیب کند. معمولاً دموکراسی تسهیل‌کننده‌ترین نظام برای ظهور و پیدایش اعتماد دیده می‌شود و می‌توان گفت که شرط ضروری برای جامعه مدنی و دموکراتیک اعتماد، است.

بنابر تعریف بالا باید گفت، اعتماد سیاسی بازتابی از جو گسترده اعتماد در جامعه است. بنابراین اعتماد سیاسی را باید یکی از وجوه اعتماد اجتماعی دانست که حضورش پیش شرط ضروری وجود یک نظام سیاسی زنده و پویاست. اما اعتماد اجتماعی خود عبارت است از تردید نسبت به کنش‌های اجتماعی دیگران در آینده. بر همین اساس می‌توان گفت که اعتماد سیاسی، چه در سطح بین شخصی و چه در سطح کلان، عبارت است از تردید نداشتن به کنش‌های سیاسی کنشگران و نهادها و رویه‌های سیاسی در آینده.

امروزه جامعه ما در راه توسعه قدم برمی‌دارد و از عوامل مؤثر در توسعه، همکاری و مشارکت و به طور کلی سرمایه اجتماعی است، یکی از مهم‌ترین مقوله‌های سرمایه اجتماعی نیز، اعتماد سیاسی است.

اما منظور از مشارکت سیاسی در این پژوهش، حضور داوطلبانه / اجباری افراد در نهادها و رویه‌های سیاسی و همکاری با آنها است.

اصولاً مشارکت سیاسی مستلزم دوگونه تصمیم است: تصمیم نخست درباره اقدام کردن یا اقدام نکردن و تصمیم دوم درباره جهت این اقدام است. برای مثال، افراد صرفاً تصمیم نمی‌گیرند که رأی بدهند یا ندهند، بلکه درباره اینکه به چه کسی رأی بدهند نیز تصمیم می‌گیرند. تصمیم به اقدام کردن به شیوه‌ای خاص، غالباً با تصمیم سومی درباره شدت، دوام، باور و عمل نیز همراه است. کسی

که فعالیت سیاسی مداوم و گسترده‌ای دارد، به احتمال زیاد دارای هدف خاصی است و می‌کوشد از طریق مشارکت به هدف خاص خود برسد.

در کل با توجه به مباحث فوق، به نظر می‌رسد اعتماد سیاسی رابطه مستقیمی با مشارکت سیاسی دارد، یعنی افرادی که به متصدیان دولتی اعتماد دارند، احتمال بیشتری دارد که عملکرد نظام را منصفانه تلقی کنند و روابط تأکید کننده‌ای با حکومت داشته باشند. ما نیز قصد داریم همین فرضیه را در جامعه آماری دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن به آزمون بگذاریم. دقیق‌تر اینکه در این تحقیق ضمن واکاوی سطوح متفاوت اعتماد سیاسی کنشگران اجتماعی و تعیین میزان اعتمادی که به نهادها، نقش‌ها، رویه‌های سیاسی و نیز کل نظام سیاسی دارند، رابطه انواع اعتماد سیاسی با انواع و میزان مشارکت سیاسی را می‌سنجیم و در کل درصدد پاسخ گویی به سوال زیر هستیم:

آیا اعتماد سیاسی دانشجویان بر مشارکت سیاسی آنان تأثیر دارد؟

پرسش فرعی:

آیا عملکرد نهادهای حکومتی بر مشارکت سیاسی دانشجویان تأثیر دارد؟

آیا شاخص دینداری بر مشارکت سیاسی دانشجویان تأثیرگذار است؟

آیا عملکرد رسانه‌های جمعی تأثیری بر مشارکت سیاسی دانشجویان دارد؟

آیا نوع تعاملات اجتماعی (ابزاری، اظهاری) بر مشارکت سیاسی دانشجویان تأثیرگذار است؟

آیا میزان آزادی و استقلال در فعالیت‌های سیاسی بر مشارکت سیاسی دانشجویان مؤثر است؟

آیا عدم شایسته‌سالاری بر مشارکت سیاسی دانشجویان اثرگذار است؟

مفهوم اعتماد

در زبان فارسی اعتماد مترادف با تکیه کردن، متکی شدن به کسی و کاری را بی‌گمان به او سپردن، واگذاشتن کار به کسی با اطمینان، وثوق، باور و اعتقاد است.

معادل لاتین اعتماد¹، اطمینان داشتن و اعتماد داشتن Trust و Confidence است. در کتاب‌های جامعه‌شناسی اعتماد هم به عنوان ویژگی افراد و ارتباطات اجتماعی و هم ویژگی نظام اجتماعی، با تأکید بر رفتار مبتنی بر تعاملات و سوگیری‌ها در سطح فردی مفهوم سازی شده است. اولین رهیافت بر احساسات و ارزش‌های فردی تأکید دارد و اعتماد متغیر فردی و شخصیتی تلقی می‌شود. در این برداشت روان‌شناختی - اجتماعی، اعتماد خط مفهومی می‌یابد و با مفاهیمی همانند وفاداری، دگرخواهی، صداقت و دوستی رابطه نزدیکی دارد. در این رهیافت یک نظریه شخصیتی در مورد اعتماد عنوان می‌شود و زمینه اجتماعی مدنظر نیست.

¹ Trust

در دومین رهیافت، اعتماد بیشتر یک ویژگی اجتماعی تلقی می‌شود و بنابراین در کالبد نهادی جامعه عملی می‌گردد. اعتماد در این مفهوم یک منبع اجتماعی است که برای دستیابی به اهداف سازمانی استفاده می‌شود.

در سومین رهیافت، اعتماد یک خیر جمعی با ارزش تلقی می‌شود که در تعاملات اعضا در جامعه کاربرد دارد. به طور مثال می‌توان نمود آن را در توصیفی که توکویل از اجتماع مدنی دارد مشاهده نمود که براساس آن، اعتماد یک مفهوم ارزشمند برای برطرف کردن تمایز و مرز بین سطح خرد و کلان فراهم می‌آورد. در این رهیافت نشان داده می‌شود که اعتماد در سطح خرد چگونه به پیدایش آن در سطح کلان کمک کند. به طور مثال، هر برخورد مثبت با پزشک محلی می‌تواند اعتماد ما به نظام درمانی را ارتقا بخشد. در این رهیافت، اعتماد به عنوان یک مفهوم جامعه شناختی با هدف تحلیل آن در سطوح نظام و روابط بین شخصی مفهوم سازی شود. بنابراین اعتماد سازوکاری اجتماعی است. مطالعه اعتماد به عنوان یک سازوکار اجتماعی، بررسی تعاملات مردم با توجه به انگیزه‌ها و باورهای آنان است.

رویکردهای نظری به مفهوم اعتماد

فرانسیس فوکویاما¹ (شبکه اعتماد- شعاع‌های اعتماد)

یکی از نظریه پردازان مطرح سرمایه اجتماعی فرانسیس فوکویاما است که اعتقاد دارد یکی از مفاهیم مفید در تبیین سرمایه اجتماعی «شبکه اعتماد» است. شبکه اعتماد عبارت است از گروهی که براساس اعتماد متقابل به یکدیگر در تبادلات بین خود از اطلاعات، هنجارها و ارزش‌های یکسانی استفاده می‌کنند. از این رو اعتماد فیما بین نقش زیادی در تسهیل فرایندها و کاهش هزینه‌های مربوط به این گونه مبادله‌ها دارد. شبکه اعتماد می‌تواند بین افراد یک گروه یا بین گروه‌ها و سازمان‌های مختلف به وجود آید (علوی، 1380: 34).

فوکویاما یکی دیگر از مفاهیم مفید در تبیین مفهوم سرمایه اجتماعی را وارد شدن از طریق شعاع اعتماد می‌داند. فوکویاما معتقد است همه گروه‌هایی که مظهر سرمایه اجتماعی‌اند دارای نوعی شعاع اعتماد هستند و به دیگر معنا حلقه‌ای از اعضا در هر گروه وجود دارد که هنجارهای همکاری در میان آنها به کار برده می‌شود. اگر سرمایه اجتماعی گروه آثار خارجی مثبت تولید کند، شعاع اعتماد می‌تواند از خود گروه فراتر رود. همچنین ممکن است شعاع اعتماد کوچک‌تر از آن باشد که همه اعضای گروه را شامل شود، کما اینکه در برخی از سازمان‌های بزرگ، هنجار همکاری تنها در سطوح رهبری یا در میان کارکنان دائمی گروه تقویت می‌شود.

¹ Francis Fukuyama

پیوتر زتومکا¹

از نظر زتومکا، اعتماد کردن نوعی راهبرد مهم برای مواجهه با شرایط نامعین و کنترل ناپذیر آینده است. اعتماد همچنین عبارت است از نوعی طرح آسان سازی که افراد را قادر به انطباق با محیط پیچیده اجتماع و استفاده از امکانات روزافزون آن می‌سازد.

اعتماد به ویژه با شرایط نا آگاهی یا عدم قطعیت در مورد اعمال ناشناخته دیگران ارتباط دارد. بنابراین در حقیقت اعتماد امری ضروری تلقی می‌شود.

بنابراین به سادگی می‌توان به عمومی‌ترین تعریف اعتماد دست یافت: اعتماد عبارت است از مطمئن بودن درباره کنشهای احتمالی دیگران در آینده. در این تعریف اعتماد از دو مؤلفه اصلی تشکیل می‌شود: باورها و تعهدات. اعتماد شامل انتظارات ویژه‌ای است «اعتماد مبتنی بر این نظریه فردی است که شخص دیگر در برخی از موقعیت‌ها در آینده، چطور عمل خواهد کرد» (زتومکا، 29-30:1387).

فردیناند تونیس

طبق نظر تونیس یک اجتماع گمیشافتی در بسیاری از ابعادش شبیه یک خانواده بزرگ و گسترده است. وابستگی مشترک و متقابل در زندگی خانواده، احساسات مشترک در خصوص اعمال و حالات روحی طبیعی در پی تجارب و فعالیتهای مشترک تقویت می‌شوند. این روابط طبیعی با وفاق همراهند. در گزلفاشت آدمها به دلایل صرفاً ابزاری وارد رابطه با دیگران می‌شوند، (تعاملات صرفاً ابزاری است). چرا که جستجوی سود و قدرت در ذات انسان مدرن است. این موضوع به رفتار عوام فریبانه در مقابل دیگران ختم شود و ثروت و اقتدار فراتر از آنچه هستند به نظر می‌رسند. اساس منطق تونیس، روابط مبتنی بر اعتماد تنها در گمیشافت وجود دارد. اعتماد یک غایت است که در درون متن اقتصادی - اجتماعی گمیشافت اتفاق می‌افتد. روابط مبتنی بر اعتماد و مردم قابل اعتماد تنها در اجتماعات طبیعی مشاهده می‌شوند. آنها نتیجه اراده طبیعی هستند. فرد به اعضای خانواده و دوستانش اعتماد می‌کند، چرا که احساس او براساس مشابهت‌ها، فهم و تایید متقابل است بنابراین اعتماد سیاسی نمی‌تواند به طور مصنوعی ایجاد شود.

رابرت مرتون

اگر بخواهیم در حوزه مسائل سیاسی و اجتماعی به یک هم‌نواپی قابل قبول و سطح بالا دست یابیم، باید در زمینه ارتقای فرهنگ، دخالت در سرنوشت خویش و تامین امکانات و وسایل نیل به آن اهداف کوشا باشیم. حاکمان عرصه سیاسی و اجتماعی باید طوری عمل کنند که دخالت در سرنوشت

¹ Zetompka

خویش نوعی ضد ارزش و هدف غیرمشروع تلقی نشود. از طرفی اگر امکانات و لوازم رسیدن به آن هدف برای افراد فراهم نباشد، جامعه به سمت واپس گرایی یا طغیان می‌رود.

رالف دارنورف

اگر صاحبان قدرت (حاکمان سیاسی) امکان فعالیت سیاسی سازماندهی شده و متشکل (افراد مخالف) را به طور اعم از جامعه سلب کنند، طبیعی است که اعضای جامعه به سازماندهی غیرمتشکل روی خواهند آورد و این عامل خود در تشدید تضاد مؤثر خواهد بود و میزان خشونت را بالا خواهد برد. همچنین اگر در جامعه‌ای آزادی سیاسی و اجتماعی وجود نداشته باشد، تضاد افزایش خواهد یافت.

مفهوم مشارکت سیاسی

از آنجا که در مورد مشارکت سیاسی معانی و تعاریف متعددی مطرح شده است و هر یک از متفکران عواملی مانند آزادی قدرت، آگاهی، تأثیرگذاری بر فعالیت و نوع مشارکت و ... به گونه‌ای تعریف کرده‌اند، در این پژوهش به تعاریف مطرح شده برای هر یک از عوامل فوق اشاره خواهیم کرد. تفاوت میان نظام‌های سیاسی، رابطه آنها با مردم و صور مختلف مشارکت، به تعریف‌های متفاوتی انجامیده است. دایرةالمعارف بین المللی علوم اجتماعی در مقاله مشارکت را به شکل زیر تعریف کرده است: مشارکت سیاسی فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیر مستقیم در سیاست گذاری عمومی است (مصفا، 1375: 19).

بحث و بررسی در خصوص عواقب و اثرات مشارکت یکی از مسائل مورد نظر متفکران سیاسی است و به لحاظ آنکه توجه به مشارکت ناشی از اثر و عواقبی است که به دنبال دارد، این اثر و عواقب را می‌توان در دو سطح خرد و کلان بررسی و تحلیل کرد. در سطح خرد، مشارکت، نتایجی برای افراد درگیر به ارمغان می‌آورد و در سطح کلان، نظام سیاسی و جامعه از آن تأثیر می‌پذیرند.

این دو سطح تحلیل در حقیقت به نظریه دسترسی که حاصل تفکر دیوید تردومن است اشاره دارد. او می‌گوید در هیچ نظام سیاسی مردم به قدرت دسترسی مساوی ندارند، زیرا افراد از نظر دستیابی به منابع با یکدیگر متفاوت‌اند. وابستگی به سازمان، اطلاعات، ثروت و رابطه با قدرت سیاسی بر کوشش و موفقیت مشارکت کنندگان در نظام اثر دارد.

رویکردهای نظری به مفهوم مشارکت سیاسی

نظریه جورج هومنز¹

یکی از نظریه‌هایی که در جامعه‌شناسی سطح فرد (کنش متقابل نمادی) وجود دارد و

می‌تواند مشارکت سیاسی را تبیین کند نظریه مبادله هومنز است. هومنز با تکیه بر نظر "اسنیکر" معتقد است، هر رفتاری که پاداش بیشتری برای فرد به دنبال داشته باشد یا آن فرد معتقد باشد که چنین پاداشی در انتظار اوست، احتمال وقوعش بیشتر است، زیرا فرد از یک سو در جستجوی حداکثر سود یا بالاترین پاداش و از سوی دیگر در پی پایین‌ترین هزینه‌ها است (توسلی، 1376: 389-384).

رابرت دال¹

در مدل دال که مبتنی بر رویکرد روان‌شناسی رفتارگرایانه است، پدیده گرایش و عدم گرایش افراد به مشارکت در امور اجتماعی و سیاسی مورد توجه قرار گرفته و عواملی که نهایتاً منجر به تصمیم و تمایل فرد به مشارکت یا عدم مشارکت می‌شود، اشاره شده است. البته رابرت دال بیشتر به دنبال توضیح عمومی عدم گرایش به مشارکت است (محسنی تبریزی، 1373: 50).

میلبراث و گوئل²

به نظر میلبراث و گوئل مشارکت مردم به چهار عامل بستگی دارد. انگیزه‌های سیاسی، موقعیت اجتماعی، ویژگی‌های شخصی و محیط سیاسی. به این عوامل باید مهارت‌ها، منابع و تعهد را افزود. برای مثال هرچه فرد بیشتر در معرض بحث‌های سیاسی قرار گیرد و دارای انگیزه سیاسی بیشتری باشد، به سازه‌هایی که در آن فعالیت می‌کند متعهد باشد، یا به اطلاعات سیاسی مربوطه دسترسی داشته باشد، احتمال مشارکت سیاسی او بیشتر می‌شود. اما مشارکت براساس ویژگی‌های شخصی فرد نیز متفاوت می‌شود. شخصیت‌های اجتماعی تر، مسلط‌تر و برون‌گراتر بیشتر احتمال دارد که از نظر سیاسی فعال باشند. موقعیت اجتماعی که با میزان تحصیلات، محل سکونت، طبقه و قومیت سنجیده می‌شود، بر مشارکت تأثیر شدیدی می‌گذارد. محیط یا زمینه سیاسی نیز مهم است (راش، 1377: 135).

چارچوب نظری پژوهش

فوکویاما براساس یکی از مفاهیم مفید در تبیین سرمایه اجتماعی «شبکه اعتماد» معتقد است که یکی از منابع سرمایه اجتماعی، ساختمان برونزاد است، به این معنی که هنجارها از جایی غیر از همان اجتماعی که در آن به کار گرفته می‌شوند سرچشمه می‌گیرد. فوکویاما در این بحث می‌خواهد به این مفهوم برسد که اکثر مذاهب و ادیان از خارج وارد و بر مردم تحمیل می‌شوند. می‌توان گفت که او عامل دینداری را از شاخصهای اعتماد سیاسی در جامعه می‌داند که در مشارکت سیاسی افراد نقش دارد.

¹ R. Dahl

² Milbrath & Goel

زتومکا براساس مفهوم "شعاعهای اعتماد" به تبیین اعتماد پرداخته و معتقد است که اعتماد بین نهادها و سازمانها را می‌توان انتزاعی‌ترین حالت مشاهده کرد (تمهیدات ساختاری ویژه‌ای که در آن کنش و واکنش متقابل انجام می‌گیرد). همچنین اشاره دارد که شناسایی برخی از نقشها به عنوان نقشهای قابل اعتماد دارای معانی متفاوتی است و رسانه‌های جمعی در ارائه مطالب و تبلیغات تلویزیونی نقش موثری را به عهده دارند و می‌توان گفت که عملکرد نهادهای حکومتی و رسانه‌های جمعی که از شاخص‌های اعتماد سیاسی هستند در مشارکت سیاسی نقش دارند.

تونیس براساس مفهوم اخلاق اجتماعی عقیده دارد که اعتماد را می‌توان با توجه به گمیشافتی و گزلفاشافتی بودن جامعه تعریف کرد. در یک اجتماع گمیشافتی روابط انسان‌ها بر پایه تعاملات صرفاً اظهاری است، تجارب و فعالیت‌های مشترک این روابط را تقویت می‌کنند. در گزلفاشافت آنها به دلایل صرفاً ابزاری با دیگران رابطه ایجاد می‌کنند. (تعاملات صرفاً ابزاری است). می‌توان گفت که تعاملات اظهاری و ابزاری از شاخصهای اعتماد سیاسی هستند که بر مشارکت سیاسی تأثیر دارند.

مرتون براساس مفهوم ساختاری فرهنگ و عناصر اجتماعی می‌گوید، اگر بخواهیم در حوزه مسائل سیاسی و اجتماعی به یک هم‌نوایی قابل قبول و سطح دست یابیم باید در سرنوشت خویش و ارتقای فرهنگ کوشا باشیم و همچنین حاکمان سیاسی باید طوری عمل کنند که دخالت در سرنوشت ضد ارزش تلقی نشود و جامعه را به سوی شایسته سالاری هدایت کنند ولی وجود مشکلات عدیده در فضای سیاسی و نحوه برخورد حاکمان در جامعه بیانگر بی‌توجهی شایسته سالاری است. در حالی که شایسته سالاری از شاخص‌های اعتماد سیاسی است و در مشارکت سیاسی تأثیر می‌گذارد.

دارندورف معتقد است که ما در جامعه با دو بخش عمده سر و کار داریم: صاحبان قدرت (سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی)، تابان قدرت (سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی). او می‌گوید صاحبان قدرت (حاکمان سیاسی) اگر امکان فعالیت‌های سیاسی سازماندهی شده را در جامعه سلب کنند، طبیعی است افراد جامعه به سازماندهی غیر متشکل روی می‌آورند که مورد قبول حاکمان سیاسی نیستند و می‌توان گفت که آزادی و استقلال در فعالیت هم یکی از شاخصهای وجود اعتماد سیاسی در جامعه است که بر مشارکت سیاسی تأثیر می‌گذارد.

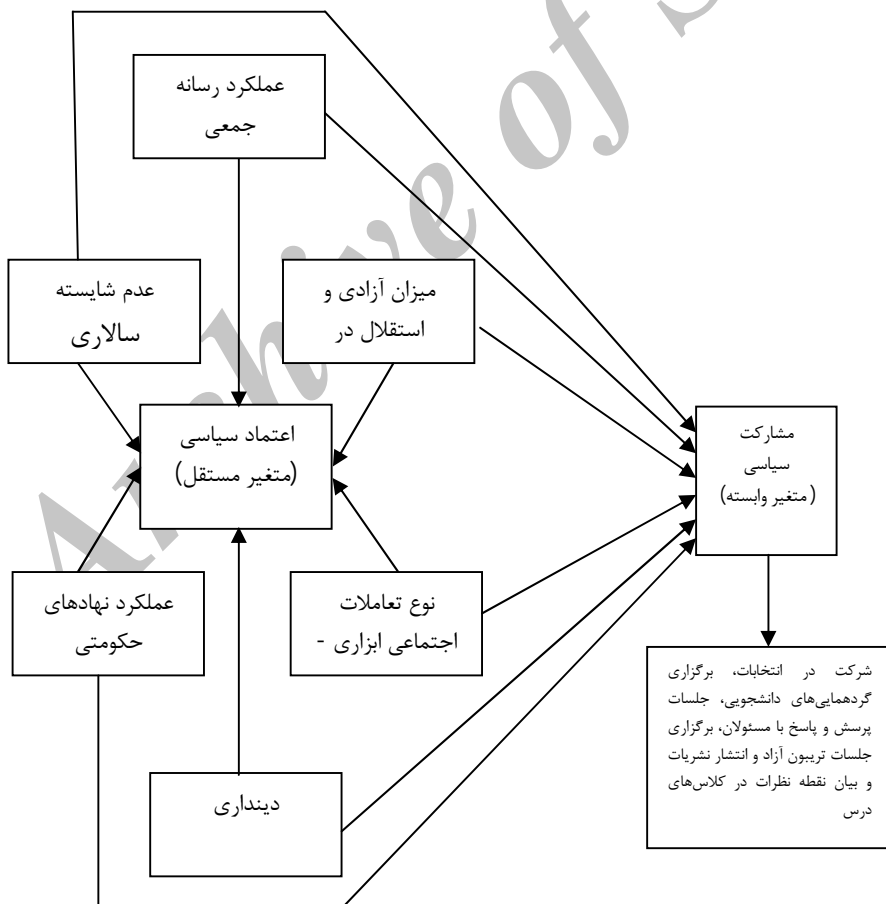
فرضیه‌های پژوهش

1. به نظر می‌رسد میان عملکرد نهادهای حکومتی با میزان مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.
(بیوتر زتومکا)

2. به نظر می‌رسد میان دینداری با میزان مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد. (فرانسیس فوکویاما)

3. به نظر می‌رسد میان عملکرد رسانه‌های جمعی با مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد. (پیوتر زتومکا)
4. به نظر می‌رسد میان نوع تعاملات اجتماعی (ابزاری - اظهاری) با مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد. (فردیناند تونیس)
5. به نظر می‌رسد میان میزان آزادی و استقلال در فعالیتهای سیاسی با مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد. (رالف دارندورف)
6. به نظر می‌رسد میان عدم شایسته سالاری با مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد. (رابرت مرتون)

مدل تحلیلی پژوهشی



روش شناسی پژوهش

در این پژوهش از روش پیمایش (survey) استفاده شده است، چرا که زمانی محقق با جمعیت آماری نسبتاً وسیعی مواجه باشد و بخواهد اطلاعاتی از این جامعه آماری به دست آورد به افراد جامعه مراجعه می‌کنند. در این تحقیق از دو روش کتابخانه‌ای و پرسشنامه استفاده شده است.

شیوه جمع آوری اطلاعات

برای جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه‌ای استفاده شد که حاوی 46 سؤال بود. برای تعیین اعتبار درونی پرسشنامه یک مطالعه مقدماتی انجام گرفت و پس از محاسبه ضریب همبستگی دقت، اقدام به جمع آوری اطلاعات شد.

برای تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه و آزمون فرضیات و توصیف آماری داده‌ها از نرم افزار spss استفاده شد. نتایج حاصل به دو صورت توصیف آماری و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

تعداد نمونه	ضریب همبستگی دقت
5	0/709

شاخص	نمونه تعیین شده اول
	نمونه تعیین شده دوم
$r = 0/768$	ضریب همبستگی
$sig = 0/001$	میزان معناداری

**Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed)

جامعه آماری: دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

نمونه آماری: کلیه دانشجویان کارشناسی ارشد سال تحصیلی 88-89

روش برآورد حجم نمونه

روش تعیین حجم نمونه این پژوهش، فرمول برآورد حجم نمونه کوکران است که با ضریب اطمینان 0/95، تعداد 169 نفر بود و با گرد کردن آن 170 نفر برآورد شد.

$$n = \frac{N t^2 p(1-p)}{Nd^2 + t^2 p(1-p)}$$

$N =$ تعداد کل جامعه (960 نفر)

$t =$ ضریب اطمینان (1/96)

$d =$ دقت احتمالی مطلوب (95 درصد)

$p =$ احتمال وجود صفت (50%)

$q =$ احتمال عدم وجود صفت (50%)

$n =$ مقدار نمونه‌ای که با قرار دادن مقادیر فوق در جای خالی خود در فرمول کوکران به دست می‌آید این رقم 169 نفر بود که با اضافه شدن 1 نفر به 170 نفر رسید.

یافته‌های تحقیق

فرضیه 1: به نظر می‌رسد میان عملکرد نهادهای حکومتی با میزان مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.

شاخص	عملکرد نهادهای حکومتی
	مشارکت سیاسی
$r = 0/252$	ضریب همبستگی
$sig = 0/001$	میزان معناداری

باید اشاره کرد که ضریب همبستگی محاسبه شده به میزان 0.252 رابطه مثبت بین عملکرد نهادهای حکومتی و مشارکت سیاسی را نشان می‌دهد. همچنین ضریب محاسبه شده در سطح $sig = 001$ معنی دار است و بنابراین فرضیه صفر در سطح 0.01 رد می‌شود و با احتمال بالای 99 درصد، می‌توان نتیجه گرفت که بین عملکرد نهادهای حکومتی با مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.

فرضیه 2: به نظر می‌رسد میان نوع تعاملات اجتماعی (ابزاری - اظهاری) با میزان مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.

شاخص	تعاملات ابزاری اظهاری
	مشارکت سیاسی
$r = 0/25$	ضریب همبستگی
$sig = 0/001$	میزان معنی‌داری

باید اشاره کرد که ضریب همبستگی محاسبه شده به میزان 0.250. رابطه مثبت بین نوع تعاملات اجتماعی (ابزاری - اظهاری) و مشارکت سیاسی را نشان می‌دهد. همچنین ضریب محاسبه شده در سطح $\text{sig} = 0.001$ معنادار است. بنابراین فرضیه صفر در سطح 0.01 رد می‌شود و با احتمال بالای 99 درصد می‌توان نتیجه گرفت که بین نوع تعاملات اجتماعی (ابزاری - اظهاری) با مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.

فرضیه 3: به نظر می‌رسد میان عملکرد رسانه‌های جمعی با مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.

شاخص	عملکرد رسانه‌های جمعی
	مشارکت سیاسی
$r = 0/185$	ضریب همبستگی
$\text{sig} = 0/018$	میزان معنی‌داری

باید اشاره کرد که ضریب همبستگی محاسبه شده به میزان 0.185. رابطه مثبت بین عملکرد رسانه‌های جمعی و مشارکت سیاسی را نشان می‌دهد. همچنین ضریب محاسبه شده در سطح $\text{sig} = 0.018$ معنادار است. بنابراین فرضیه صفر در سطح 0/05 درصد می‌شود و با احتمال بالای 95 درصد می‌توان نتیجه گرفت که بین عملکرد رسانه‌های جمعی با مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.

فرضیه 4: به نظر می‌رسد میان عدم شایسته‌سالاری با مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.

شاخص	عدم شایسته‌سالاری
	مشارکت سیاسی
$r = 0/183$	ضریب همبستگی
$\text{sig} = 0/018$	میزان معناداری

باید اشاره کرد که ضریب همبستگی محاسبه شده به میزان 0.183. رابطه بسیار قوی بین عدم شایسته‌سالاری و مشارکت سیاسی را نشان می‌دهد. همچنین ضریب محاسبه شده در سطح بالای $\text{sig} = 0.018$ معنادار است. بنابراین فرضیه صفر در سطح 0.05 رد می‌شود و با احتمال بالای 95 درصد می‌توان نتیجه گرفت که بین عدم شایسته‌سالاری با مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.

فرضیه 5: به نظر می‌رسد میان دینداری با میزان مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.

شاخص	دینداری
	مشارکت سیاسی
$r = 0/088$	ضریب همبستگی
$\text{sig} = 0/261$	میزان معناداری

باید اشاره کرد که ضریب همبستگی محاسبه شده به میزان 0.088 رابطه بین دینداری و مشارکت سیاسی را نشان نمی‌دهد. زیرا با $sig = .261$ معنادار نیست. بنابراین فرضیه یک تأیید می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که میان دینداری با مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود ندارد. فرضیه ۶: به نظر می‌رسد میان میزان آزادی و استقلال در فعالیت‌های سیاسی با مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.

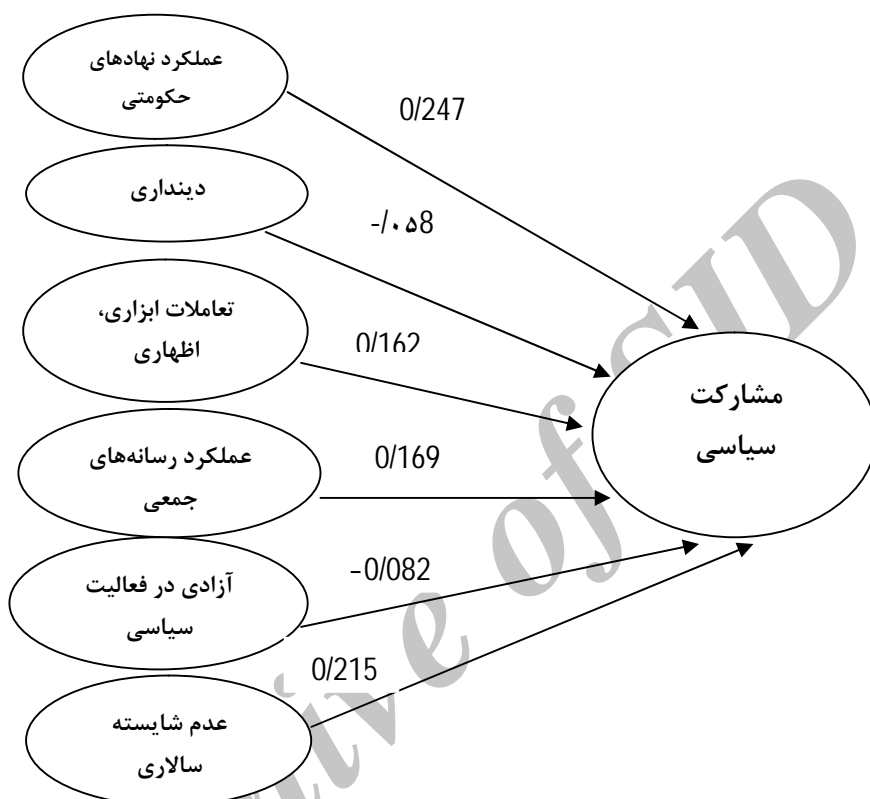
شاخص	میزان آزادی در فعالیت‌های سیاسی	
	مشارکت سیاسی	
$r = 0/011$	ضریب همبستگی	
$sig = 0/893$	میزان معنی‌داری	

باید اشاره کرد که ضریب همبستگی محاسبه شده به میزان 0.011 رابطه بین میزان آزادی و استقلال در فعالیت‌های سیاسی و مشارکت سیاسی را نشان نمی‌دهد. همچنین با $sig = .893$ معنادار نیست. بنابراین فرضیه یک تأیید می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که میان میزان آزادی و استقلال در فعالیت‌های سیاسی با مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود ندارد.

تحلیل مسیر مدل تحلیلی تحقیق

Model	Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	t	Sig.
	B	Std. Error	Beta		
1 (constnt)	۸.۸۹۴	۴.۹۰۷		۱.۸۱۲	۰.۰۷۲
عملکرد نهادهای حکومتی	۰.۳۶۳	۰.۱۳۰	۰.۲۴۷	۲.۷۹۱	۰.۰۰۶
دینداری	-۰.۲۴۷	۰.۳۸۵	-۰.۰۵۸	-۰.۶۴۱	۰.۵۲۲
تعاملات ابزاری، اظهاری	۰.۵۵۷	۰.۲۸۳	۰.۱۶۲	۱.۹۶۷	۰.۰۵۱
عملکرد رسانه‌های جمعی	۰.۶۰۵	۰.۳۳۵	۰.۱۶۹	۱.۸۰۳	۰.۰۷۴
آزادی در فعالیت سیاسی	-۰.۱۶۶	۰.۲۰۳	-۰.۰۸۲	-۰.۸۱۷	۰.۴۱۵
عدم شایسته‌سالاری	۰.۸۷۹	۰.۴۰۲	۰.۰۲۱۵	۲.۱۸۴	۰.۰۳۱

شاخصهای اعتماد: (constnt) Predictors: a. عملکرد نهادهای حکومتی، دینداری، تعاملات ابزاری، اظهاری، عملکرد رسانه‌های جمعی، آزادی در فعالیت سیاسی، عدم شایسته‌سالاری



باید اشاره کرد که براساس مقادیر بتا در محاسبه فوق می‌توان اثرهای مستقیم متغیرهای اعتماد سیاسی (عملکرد نهادهای حکومتی، دینداری، تعاملات ابزاری، اظهاری، عملکرد رسانه‌های جمعی، آزادی در فعالیت سیاسی، عدم شایسته‌سالاری) بر مشارکت سیاسی را نشان داد.

نتیجه‌گیری

با عنایت به یافته‌های این پژوهش و در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان گفت یکی از اساسی‌ترین مسائلی که جوامع امروزی با آن مواجهند، اعتماد است. به عبارتی اعتماد سیاسی یکی از ابعاد بسیار مهم زندگی بشری را تشکیل می‌دهد؛ به طوری که بشر امروزی بدون اعتماد تا حدی قادر به ادامه حیات اجتماعی نیست. در جامعه کنونی نیز پیشرفت و ترقی زمانی میسر خواهد بود که در تعاملات اجتماعی افراد، اعتماد متقابل برقرار باشد. در واقع اعتماد باعث تداوم کنش اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می‌شود و بدون آن هیچ کنش متقابل مطمئنی صورت نمی‌گیرد. از نظر

اینگلهارت اعتماد سیاسی یکی از پیش نیازهای فرهنگ مدنی و ایجاد دموکراسی پایدار محسوب می‌شود. او معتقد است که اعتماد سیاسی بخشی از نشانگان فرهنگی پایداری است که به بقای دموکراسی منجر می‌شود.

در جهان به این بزرگی که به سبب ظهور و بروز تحولات عظیم تکنولوژیکی آستان حوادث بی‌شمار است، کشورهایی خواهند توانست به ترقی و پیشرفت نایل آیند که مشارکت افراد جامعه آنها در امور مهم و در عرصه‌های متفاوت اجتماعی، به واسطه اعتماد متقابل بین افراد و گروه‌ها و... در حد بسیار بالایی باشد.

پیشنهادات

با عنایت به یافته‌های این پژوهش، پیشنهادات زیر با هدف افزایش سطح اعتماد سیاسی دانشجویان مطرح می‌شود:

1. یافته‌های این تحقیق بیانگر تأثیر عملکرد رسانه‌های جمعی بر مشارکت سیاسی است و با توجه به اینکه سرمایه اجتماعی موجب می‌شود اعضای جامعه به هم اعتماد کنند و با همدیگر بیشتر همکاری نمایند، بایستی زمینه گسترش شبکه‌های ارتباطی بین افراد جامعه را فراهم کرد تا روابط عاطفی، اظهاری و ... نسبت به روابط ابزاری و سودجویی نمود بیشتری پیدا کند و به صورت فرهنگ غالب معرفی و آموزش داده شود. از جمله رسانه‌های جمعی به تألیف و انتشار کتابهایی با مضامین اعتماد سیاسی پردازند و آنها را در دسترس دانشجویان و عموم مردم جامعه قرار دهند.
2. چنانکه ذکر شد، از جمله یافته‌های این تحقیق تأثیر عملکرد نهادهای حکومتی بر مشارکت سیاسی بود. بنابراین رضایت شهروندان از میزان کارایی این نهادها امری ضروری به نظر می‌رسد. اگر شهروندان یک جامعه عملکرد نهادهای حکومتی شان را با رفع نیازهای شخصی و اجتماعی خود بدانند بی‌تردید در مشارکت سیاسی آنها موثر خواهد بود.
3. همان طور که گفته شد، یافته‌های این تحقیق حاکی از تأثیر نوع تعاملات (ابزاری) بر مشارکت سیاسی است و از جمله وظایف مهم نظام کاهش فساد است. نفوذ فساد (در انواع مختلف اداری، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی) در درون ساختار رسمی قدرت می‌تواند به کاهش میزان اعتماد سیاسی منجر شود و این امر بر اقشار مردم به خصوص دانشجویان که باید در آینده نزدیک اداره و توسعه کشور را در دست گیرند تأثیر منفی خواهد گذاشت. از این رو مقابله قاطع و جدی با فساد و پارتی بازی در جامعه به خصوص در بدنه قدرت باعث امنیت و اطمینان خاطر جامعه می‌شود و نهایتاً افزایش اعتماد سیاسی را در پی خواهد داشت.

4. چنانکه ذکر شد، یافته‌های این تحقیق بیانگر تأثیر نوع تعاملات اجتماعی (اظهاری) بر مشارکت سیاسی است و باید به این نکته اشاره کرد که اگر در سطح جامعه به خصوص دانشگاه‌ها، تعداد نهادهای رسمی از جمله مؤسسه‌های غیرانتفاعی برای جوانان و به ویژه دانشجویان افزایش یابد، پیوندهای اجتماعی نیز در بین آنها بیشتر می‌شود و این امر افزایش سطح اعتماد سیاسی در جامعه را در پی خواهد داشت و از این طریق می‌توان اعتماد افراد جامعه و همچنین دانشجویان به نظام سیاسی را افزایش داد.

5. همان طور که در یافته‌های تحقیق اشاره شد، بین میزان آزادی و استقلال در فعالیتهای سیاسی و مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود ندارد، ولی باید به این نکته مهم اشاره کرد که ایجاد فضای باز در سطوح جامعه به خصوص در دانشگاهها برای مشارکت و بیان عقاید و نظرات، نشان می‌دهد که مسئولان به آزادی بیان ارزش می‌گذارند. به همین دلیل ایجاد فضای باز سیاسی در دانشگاهها برای دانشجویان که جزو مدیران و کارشناسان آینده کشور هستند، لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

Archive of SID

منابع فارسی

- توسلی، غ، (1376). **نظریه‌های جامعه‌شناسی**، تهران: انتشارات سمت
- راش، مایکل. (1377). **جامعه و سیاست**، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: انتشارات سمت
- زتومکا، پ. (1387). **اعتماد یک نظریه جامعه‌شناختی**، ترجمه غلامرضا غفاری، نشر پژوهش شیرازه، چاپ سوم.
- علوی، ب. (1380). **نقش سرمایه اجتماعی در توسعه**، ماهنامه تدبیر، دوره 12، شماره 116، مهر.
- مصفا، ن. (1375). **مشارکت سیاسی زنان در ایران**، تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول.
- محسنی تبریزی، ع. (1373). **بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه ملی**، نامه پژوهش، سال اول، شماره 1

Archive of SID